

ادب



یک بچه بود که خیلی ادب داشت. دزد آمد ادبش را دزدید.
بچه شد بی ادب.

● مجید راستی

پاک کن

معلم: بچه جان، چرا پاک کن را می مالی روی سرت؟
شاگرد: چون می خواهم فکرهای بد را از کله ام پاک کنم!

● شکوه قاسم نیا



شیر موز



میمونه خودش موز می خورد، به بچه اش شیر موز می داد.

● لاله جعفری

هویج

خر گوشه رفت پیش دکتر چشم و گفت: «می شود به جای عینک، به من هویج بدهید!»

● محمدرضا شمس



حراج

یک کفش تندتند می دوید. گفتند: «چرا می دوی؟» گفت: آن طرف خیابان، جوراب حراج کرده اند.

● طاهره خردور



ناخن

به ناخن گفتند: «چرا فرار می کنی؟» گفت: «ناخنگیر می خواهد من را بگیرد!»

● ناصر کشاورز

